

	تاریخ روز: ۲۱/۰۲/۱۳۹۷	تاریخ ثبت: ۲۷ خرداد ۱۳۹۵	عنوان: تأثیر ژنتیک بر قدرت علمی
---	-----------------------	--------------------------	---------------------------------

«بسمه تعالی»

تأثیر ژنتیک بر قدرت علمی

علم ژنتیک جزء علوم زیستی است، در این بحث هدف زیست انسان است. علم ژنتیک علمی است که طی آن تحقیق می‌شود صفات و خصوصیات وراثتی چگونه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؟ علم ژنتیک جزء علوم طبیعی نیست، جزء علوم ریاضی نیست، جزء علوم فلسفی هم نیست، جزء علوم زیست شناسی است. "ژن" مفهوم یک واحد وراثتی است.

کروموزوم‌ها که حامل ژن‌ها هستند، از سال 1956 میلادی به شمارش آمد و 23 کروموزوم از مرد و 23 کروموزوم از زن که مجموعاً 46 کروموزوم باشند، این‌ها ناقل این صفات و خصوصیات اند.

در قانون ارث نیز علم ژنتیک حاکم است. یعنی صفات پدر و مادر به فرزند منتقل می‌شود. با این مقدمه می‌توانیم به 50، 60 نسل قبلی برگردیم، انتقال صفات والدین به نسل‌های بعدی را تحقیق کنیم.

سؤال: آیا فرزندان به نسبت مساوی از صفات مادر یا صفات بابا بهره می‌برند؟ یا متفاوت؟

پاسخ: کروموزوم‌ها و ژن‌های موجود بر آن‌ها علت برای بروز شباهت‌ها و تفاوت‌ها در طول یک نسل هستند.

در اینجا قصد آن نداریم وارد بحث اختصاصی زیست شناسی شویم ولی هدفمان از ارائه این مقدمه آن است که بدانیم: آیا قدرت علم و تحقیق نیز از طریق ژنتیکی منتقل می‌شود یا خیر؟

آری، بین ولد و مادر 99 نسل ژن‌ها در تحرک اند. یعنی یک بچه که می‌خواهد از مادر متولد گردد نه تنها ژن‌های والدین اول آن‌ها بر او مؤثر است، بلکه صفات و خصوصیات تا 99 نسل قبلی نیز به تکاپو در می‌آید که شکل این بچه به شکل بابایش، یا بابا بزرگش یا جد سوم یا چهارم و ... طبق نیروی اغلب بر غالب انجام شود!

صفات خوب و بد و انواع بیماری‌های ژنتیکی از طریق قانون ژنتیک منتقل می‌شود و در پایان چهره یک انسان با خصوصیات وراثتی خاص آشکار می‌شود.

و اما تحقیقی است که آیا قدرت علمی نیز در طول یک نسل از طریق ژنتیک منتقل می‌شود؟

تحقیقی است پیرامون این مطلب که اصلاً نژاد یعنی پدر، مادر، قبیله... آیا در علم انسان

اثر دارد یا خیر؟

آری، نژادها در علم خیلی مؤثرند.

جان مطلب این است: مثلاً جدّ دوم، سوم، چهارم... تا 99 جد این ها در نسل ولد اثر می گذارند. مثلاً اگر کسی در نسل 65 اش جدی داشته که خیلی در دانش غلمیت داشته، همان ژنتیکش روی او اثر می گذارد. و خدایی نخواسته اگر مثلاً جد پنجمش دزد بوده، اگر زن اش قوی باشد، طبق نیروی اغلب بر غالب در نسل های بعدی اثر می گذارد.

به عنوان مثال جبران بن خلیل بن میخائیل بن سعد در بشرای لبنان در 1883 میلادی به دنیا آمد و در 1931 میلادی مرد. وی یکی از ارکان صنعت ادب عربی بود، از مؤسسان انجمن رابط القلمیه (انجمنی که قلم زن ها یعنی نویسندگان گرد هم آمده بودند) نویسنده، شاعر و نیز نقاش متجددی بود؛

در کشور خود برای مردمی که با پیغمبر و خاندان عصمت و وحی و توحید بیگانه بودند مطلب بیان می نمود.

نسب آقای خلیل جبران به یوسف بن جبران رومی شهلانی لبنانی می رسید. "شهلانی" شخصیتی نحریر، فیلسوف، ادیب، فقیه، ریاضی دان و هم طبیب بوده، از نظر علمی گوهری بوده است. جبران بن خلیل با 4، 5 نسل به او منتهی می شود. او مسافرت هایی به اروپا کرد و انگلیسی را به خوبی فرا گرفت؛

کتاب هایی به زبان انگلیسی و عربی نوشت از آن جمله:

1- المجنون 2- السائق النبی (چشیدنی های نبوت) 3- زبده 4- الهة الارض 5- رساله ای در موسیقا 6- عرائس المروج 7- العواصف

هر چند او در آئین تشیع نبود، ولی آن گاه که در دانشگاه نیویورک خواست علی (ع) را معرفی کند، این گونه گفت:

«بعقیدتی جاوره روح الکلیه»

علی (ع) همسایه خداست، او روح کلی عالم است.

این است که اغلب محققان و دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که

شوق در تحقیق علمی نیز می تواند مایه هایی از نسل های گذشته بشر است.

منبع: رساله تفسیرسوره مبارکه روم - رساله تفسیر سوره مبارکه نبأ

از سلسله مباحث تحقیقی فیلسوف متاله استاد سید علی موسوی